



بررسی تأثیر نسبت نقدینگی مورد نیاز بر افزایش ریسک بحران مالی در صنعت بانکداری کشور

محمدصادق زارع^۱، نظامعلی وفايي^{۲*}

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر نسبت نقدینگی بانک بر افزایش ریسک بحران مالی در صنعت بانکداری می‌باشد. جامعه و نمونه آماری این پژوهش مشتمل بر ۱۰ بانک پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی شش ساله از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است. این پژوهش، یک مطالعه کتابخانه‌ای و مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی (پانل دیتا) می‌باشد؛ و از نظر هدف پژوهش حاضر از نوع کاربردی و از جنبه روش استنتاج توصیفی-تحلیلی و از نوع همبستگی می‌باشد و به منظور آزمون فرضیه پژوهش از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. با توجه به نتایج ارائه شده با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت نسبت نقدینگی مورد نیاز بر ریسک بحران مالی صنعت بانکداری تأثیر معناداری وجود دارد. مثبت بودن ضریب این متغیر (۰/۱۱۹۴) حاکی از وجود تأثیر مستقیم نسبت نقدینگی مورد نیاز بر ریسک بحران مالی صنعت بانکداری می‌باشد به طوری که با افزایش ۱ واحدی نسبت نقدینگی مورد نیاز، ریسک بحران مالی صنعت بانکداری نیز به میزان ۰/۱۱۹۴ واحد افزایش می‌یابد؛ بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با تأیید فرضیه پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که نسبت نقدینگی مورد نیاز بر ریسک بحران مالی صنعت بانکداری تأثیرگذار است.

واژگان کلیدی: ریسک بحران مالی، نسبت نقدینگی، صنعت بانکداری

۱- کارشناس ارشد حسابداری، بانکدار ارشد بانک کشاورزی همدان

۲- کارشناس ارشد توسعه روستایی، کارشناس اعتباری بانک کشاورزی همدان (مسئول مکاتبات) (Vafadari4030@gmail.com)

۱- مقدمه

این پژوهش به بررسی نسبت نقدینگی مورد نیاز، بر ریسک بحران مالی صنعت بانکداری پرداخته و ارتباط تعدادی از نسبت‌های مورد نظر خود را در خصوص افزایش و کاهش این ریسک بحران مالی مطرح می‌کند. نقدینگی جهت اجرای فعالیت‌های واحد تجاری ضروری است به خصوص در زمانی که شرکت با مشکلات خاصی نظیر رکود اقتصادی و یا زبان‌های ناشی از آن و یا افزایش ناگهانی در قیمت مواد اولیه و یا قطعات مورد استفاده شرکت روبرو گردد. در چنین شرایطی چنانچه شرکت فاقد نقدینگی کافی باشد مشکلات مالی جدی برای آن بوجود خواهد آمد. بانک‌ها در راستای دستیابی به اهداف بلندمدت خود اقدام به ایجاد یک نوع تعادل در نسبت‌های نقدینگی می‌نمایند. نسبت‌های نقدینگی بر روی نوسانات قیمت سهام و همچنین بر روی نوسانات نسبت سرمایه تأثیر مستقیمی می‌گذارند.

۲- بیان مسئله

بانک‌ها برای کسب سودآوری بیشتر اقدام به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصاد می‌نمایند. یکی از بخش‌هایی که بانک‌ها تمایل زیادی به سرمایه‌گذاری در آن دارند، بخش صنعت می‌باشد. امروزه بانکداری خود به عنوان یک صنعت درآمدی و افزایش یا کاهش ریسک بحران مالی صنعت بانکداری به‌طور مستقیم تأثیر بسزائی بر ایجاد یا عدم ایجاد بحران مالی تأثیرگذار می‌باشد (باسل و همکاران^۱، ۲۰۱۴). در سیستم بانکی، کارایی و رقابت در مقابل ثبات قرار می‌گیرد. ساختار ترازنامه بانک‌ها کاملاً استثنایی است چرا که بدهی‌های بانک‌ها (سپرده‌ها)، از نوع پول قطعی و دارایی آن‌ها (تسهیلات)، از نوع پول نامطمئن هستند؛ بنابراین بانک‌ها باید سرمایه کافی برای پوشش دادن ریسک ناشی از فعالیت‌های خود را داشته و مراقب باشند که آسیب‌های وارده به سپرده‌گذاران منتقل نشود. یکی از راه‌های کنترل این موضوع، بررسی کفایت سرمایه بانک‌هاست. در این نوشتار کفایت سرمایه صنعت بانکداری بازار سرمایه از طریق نسبت سرمایه و بخش‌های گوناگون آن مورد بررسی قرار گرفته است.

بانک‌ها در راستای اجرای الگوهای از پیش تعیین شده در ارتباط با افزایش نسبت نقدینگی و نسبت سرمایه اقدام به کنترل ریسک بحران مالی خود می‌نمایند. با توجه به مطالب و تئوری‌های بیان شده، مسئله اصلی این پژوهش بررسی حدود استاندارد برای نسبت سرمایه و نسبت‌های نقدینگی و همچنین تأثیر این نسبت‌ها بر افزایش ریسک بحران مالی صنعت بانکداری می‌باشد. در این پژوهش برای بررسی نسبت‌های نقدینگی از نسبت‌های بودجه مالی، بازده دارایی‌ها، نسبت سربار به درآمد، نسبت وام‌های پرداختنی و نسبت سود تقسیمی استفاده شده و برای نشان دادن میزان تأثیرگذاری افزایش یا کاهش ریسک بحران مالی صنعت بانکداری از الگوهای مربوط به ریسک‌های قابل پیش‌بینی صنعت بانکداری استفاده خواهد شد. سرمایه‌گذاران در راستای افزایش سودآوری خود ریسک بحران مالی صنعت بانکداری را مورد محاسبه قرار داده و از منظر آن‌ها نسبت بودجه مالی زمانی که نوسانات مثبتی را تجربه می‌کند اگر نسبت بازده دارایی‌ها نیز افزایش مثبتی داشته باشد، سرمایه‌گذاری در صنعت بانکداری از نظر آنان مناسب خواهد بود (چپارمونت و کاسو^۲، ۲۰۱۷).

ریسک بحران مالی صنعت بانکداری زمانی به وقوع می‌پیوندد که بین نسبت‌های نقدینگی مورد نیاز و نسبت بودجه مالی و نسبت سرمایه موازنه متقارن برقرار نباشد. اگر نسبت نقدینگی مورد نیاز بیشتر از نسبت سرمایه و نسبت بودجه مالی نرخ رشد مثبتی را نشان دهد، در این صورت نقدینگی مورد نیاز بلااستفاده بوده و در بلندمدت باعث افزایش ریسک بحران مالی بانک‌ها خواهد شد. لذا با عنایت به موارد مطرح شده سؤال اساسی این پژوهش این است که آیا نسبت سرمایه، بر افزایش ریسک بحران مالی در صنعت بانکداری تأثیر دارد؟

۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

الگوهای مربوط به ریسک بحران مالی در صنعت بانکداری نشان‌دهنده ایجاد یک نوع تعادل بین نسبت‌های نقدینگی و نسبت سرمایه در این صنعت می‌باشد. معمولاً نسبت نقدینگی مورد نیاز و نسبت بودجه مالی در زمانی که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی مثبت باشد بر روی ریسک بحران مالی صنعت بانکداری تأثیر منفی‌ای می‌گذارد (گوبات و همکاران^۳، ۲۰۱۴).

1 - Basel et al.

2 - Chiamonte & Casu.

3 - Gobat et al.

یکی از بحران‌های مالی که در سال‌های اخیر صنعت بانکداری را مورد هجوم قرار داده است، افزایش مربوط به ریسک بحران مالی می‌باشد. ریسک‌های بحران مالی معمولاً "از نسبت نقدینگی و نسبت سرمایه نشات گرفته و اگر این ریسک تحت کنترل صنعت بانکداری در نیاید، در بلندمدت امکان دارد که تجویز نقدینگی باعث ایجاد یک نوع تورم شدید در جامعه شود (باسل و همکاران^۱، ۲۰۱۴)؛ بنابراین با توجه به اهمیت نسبت‌های نقدینگی و نقدینگی تجویز شده در جامعه، سیاست‌مداران به دنبال کنترل این نوع نقدینگی و هدایت آن در جهت ایجاد و افزایش تولید و کاهش ریسک بحران مالی صنعت بانکداری می‌باشد. با توجه به مطالب مطرح شده هدف اصلی این پژوهش بررسی حدود استاندارد برای نسبت سرمایه و نسبت‌های نقدینگی و تأثیر آن بر روی ریسک بحران مالی صنعت بانکداری می‌باشد. همچنین در این پژوهش بر آن هستیم که بررسی نماییم آیا تجویز نقدینگی و ایجاد تعادل در نسبت‌های نقدینگی باعث افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و همچنین باعث کاهش نرخ تورم خواهد شد یا خیر؟

۴- مبانی نظر

۴-۱- انواع ریسک‌های اعتباری بانکی در ارتباط با نوسانات قیمت سهام

تاکنون دسته‌بندی‌های مختلفی برای انواع ریسک‌های بانکی ارائه شده است از جمله می‌توان به دسته‌بندی‌هایی "ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک"، "ریسک پویا و ایستا" و یا "ریسک قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی" اشاره کرد لیکن به‌طور کلی جدول زیر به‌طور جامع بیان‌کننده ریسک‌هایی است که نظام بانکی با آن روبه‌رو بوده است.

جدول ۱- انواع ریسک‌های بانکی

انواع ریسک‌های بانکی در ارتباط با نوسانات قیمت سهام	
Incolvency Risk	ریسک ورشکستگی
Liquidity Risk	ریسک نقدینگی
Other Risk (Reputational Risk Legal Risk Concentration Risk)	سایر ریسک (ریسک شهرت، ریسک حقوقی، ریسک تمرکز)
Operational Risk	ریسک عملیاتی
Market Risk	ریسک بازار
Interest Rate Risk	ریسک نرخ بهره
Information Technology Risk	ریسک فناوری اطلاعات یا IT
Credit Risk	ریسک اعتباری

الف- ریسک ورشکستگی: ریسک ورشکستگی عبارت است از ناتوانی بانک در بازپرداخت کلیه بدهی‌ها از محل نقد کردن دارایی‌ها به قیمت روز. در صورت وقوع این ریسک حقوق صاحبان سهام منفی خواهد شد.

ب- ریسک نقدینگی: بانک‌ها به چهار دلیل زیر نیاز به نقدینگی دارند:

- اول- به عنوان تکیه‌گاهی برای جایگزین کردن منابع خروجی از بانک.
 - دوم- برای جبران وجوهی که انتظار می‌رود به بانک وارد شود، لیکن تحقق نمی‌پذیرد.
 - سوم- به عنوان منبعی برای بازپرداخت بدهی‌هایی که سررسید شده‌اند.
 - چهارم- به عنوان منبعی برای پذیرش معاملات جدیدی که مناسب و مطلوب هستند.
- ریسک نقدینگی زمانی اتفاق می‌افتد که بانک‌ها نتوانند یکی از موارد ذکر شده را برآورده کنند. بانک‌ها همواره باید مطمئن باشند که دارای ترکیب بهینه‌ای از دارایی‌ها و بدهی‌ها بوده و بر اساس آن میزان نقدینگی مورد نیاز خود را تأمین کنند. انتخاب و گزینش منابع مختلف نقدینگی در بانک به مسائل مختلفی بستگی دارد از جمله (برجر و همکاران^۱، ۲۰۰۹):

- تخمین نقدینگی مورد نیاز
- هزینه‌ها و ویژگی‌های مختلف نقدینگی
- دسترسی به بازارهای نقدینگی
- پیش‌بینی نرخ بهره
- راهبرد مدیریت

وضعیت نقدینگی بانک را می‌توان به صورت یک نمودار زمانی از منابع و مصارف بیان کرد که بانک‌ها باید شکاف نقدینگی موجود میان محدودیت‌های قابل پذیرش را مدیریت کنند. ریسک نقدینگی اغلب در فعالیت‌های بانکی پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است زیرا بانک‌ها عموماً اقدام به گردآوری منابع با سررسیدهای کوتاه مدت و اعطای وام و تسهیلات بلند مدت از محل این منابع می‌کنند. در واقع شکاف بین سررسید دارایی‌ها و بدهی‌های بانک منجر به ریسک نقدینگی خواهد شد.

ج- سایر ریسک‌ها: ریسک شهرت عبارت است از خساراتی که در نتیجه از بین رفتن شهرت به موسسه بانکی وارد می‌شود ریسک حقوقی عبارت است از زیان حاصله از کاهش ارزش یک دارایی و یا افزایش یک بدهی به دلیل ناآگاهی موسسه بانکی از قانون و مقررات جاری و سایر ریسک‌هایی که ممکن است به صورت غیرمترقبه به علت عوامل غیرقابل پیش‌بینی رخ دهند (اسکندری، ۱۳۸۵).

د- ریسک عملیاتی: عبارت است از ریسک ناشی از اشکال در کنترل‌های داخلی، خطای انسانی و حوادث غیرمترقبه که در فعالیت عادی مؤسسات بانکی اختلال ایجاد می‌کند. ریسک عملیاتی یک مسئله کیفی است از نمونه‌های این ریسک می‌توان اختلال در سیستم رایانه‌ای، خطای انسانی، زلزله، سیل، طوفان و یا هر عاملی که فعالیت بانک را مختل کند و از دست دادن کارکنان کلیدی و اعتصاب اشاره کرد.

ه- ریسک بازار: عبارت است از زیان ناشی از تغییرات قیمت دارایی‌های قابل خرید و فروش در اقلام بالای خط و پایین خط ترازنامه، دارایی‌هایی که توسط بانک‌ها به منظور درجه نقد شوندگی بالا نگهداری می‌شوند در معرض این ریسک قرار دارند.

و- ریسک نرخ بهره: به معنای آثار تغییر نرخ بهره برداری و بدهی‌ها و سرانجام میزان سود آوری بانک است. این ریسک معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که بین سررسید داراییها و بدهی‌ها و یا نرخ آن‌ها تفاوت وجود داشته باشد.

ز- ریسک فن‌آوری اطلاعات: عبارت است از احتمال بروز زیان ناشی از عدم کفایت سیستم‌های فن‌آوری اطلاعات، اهمیت استفاده از سیستم‌ها و شبکه‌های ارتباطی، نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای کامپیوتری در فعالیت بانکی، این ریسک در واقع شاخه‌ای از ریسک عملیاتی است.

ح- ریسک اعتباری: با توجه به اینکه یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌های بانک‌ها، اعطای تسهیلات است این ریسک زمینه‌ساز ایجاد می‌گردد و به این صورت تعریف می‌گردد چنانچه مشتریان بانک نتوانند به تعهدات خود در بازپرداخت تسهیلات عمل کنند بانک با این ریسک مواجه می‌گردد و این ریسک محدود به نکول مشتریان از بازپرداخت تسهیلات نشده و تاخیر در بازپرداخت را نیز شامل می‌گردد (الهی و حیدری، ۱۳۸۴). تعریف دیگری که کمیته بال از ریسک اعتباری ارائه می‌دهد بدین شرح است. یک ریسک اعتباری به طور ساده عبارت است از امکان بالقوه اینکه قرض‌گیرنده از بانک و یا طرف حساب وی، در اجرای تعهدات خود در مقابل بانک در مدت مشخص نا توان شود. شناسایی، بررسی کیفی و کمی، برنامه‌ریزی برای مقابله با این ریسک یکی از دغدغه‌های مدیران بانکی است، زیرا اگر فرآیند پیش‌گفته (مدیریت ریسک اعتباری) بدرستی صورت نپذیرد افزایش در مطالبات غیرجاری و در مراحل پیشرفته‌تر ورشکستگی بانک و بحران مالی قطعی است ضمناً چهار شاخص به طور گسترده به عنوان تعیین ریسک اعتباری برای بانک‌ها در نظر گرفته می‌شوند (کارلتی^۱، ۲۰۰۸).

- نسبت دارایی‌های تحقق نیافته (اجرا نشده)^۲ به کل وام‌ها و داراییهای استیجاری^۳. دارایی‌های تحقق نیافته دارایی‌های در آمد زایی همچون وام‌هاست که ۹۰ روز از سررسید آن‌ها گذشته باشد.
- نسبت خالص وام سوخت شده^۴ به کل وام‌ها و دارایی‌های استیجاری^۵. وامهای سوخت شده وام‌هایی است که امکان وصولشان برای بانک وجود ندارد و عملاً بی‌ارزش می‌باشند و بانک‌ها آن‌ها را از دفاتر خود خارج نموده‌اند.
- نسبت ذخیره احتیاطی سالیانه زیان وام‌ها به کل وام‌ها و دارایی‌های استیجاری و یا کل حقوق صاحبان سهام
- نسبت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول به کل وام‌ها و دارایی‌های استیجاری و به همین دلیل در ادامه به تشریح بیشتر آن می‌پردازیم. ریسک اعتباری در حقیقت احتمال اینکه بعضی از دارایی‌های بانک خصوصاً تسهیلات اعطایی دچار کسر ارزش می‌شوند و این موضوع با توجه به اینکه سرمایه بانک‌ها نسبت به کل ارزش دارایی‌هایشان رقم قابل توجهی نیست باعث اهمیت این نوع ریسک می‌گردد. ریسک اعتباری بانک‌ها با انجام

1. Carlty
2. NON performing
3. leases
4. NET charge offs of loans
5. leases

اقداماتی مانند تمرکز اعطای تسهیلات باحجم بالا به یک فرد، بانک، گروه صنعتی و یا بخش اقتصادی خاص بالا می رود و مهم ترین ابزاری که بانکها برای مدیریت ریسک اعتباری به آن نیازمندند، سیستم ارزیابی و امتیاز دهی اعتباری مشتریان است (وکیلی، ۱۳۸۵).

۴-۲- طبقه بندی معیارهای ارزیابی عملکرد و سودآوری بانکها

در برخی تحقیقات با توجه به نوع اطلاعات مورد استفاده برای محاسبه معیارهای ارزیابی عملکرد و نوع استفاده کنندگان، طبقه بندی گوناگونی برای معیارهای ارزیابی عملکرد تعریف شده است. در این زمینه معیارهای ارزیابی عملکرد و مدیریت به چهار گروه معیارهای حسابداری، تلفیقی، مدیریت مالی و اقتصادی تقسیم شده است (بابایی و احمدوند، ۱۳۸۷). از آنجائیکه معیارهای مورد نظر در این تحقیق معیارهای ارزیابی عملکرد مالی و اقتصادی بانکی است، در ادامه به توضیحات مختصری در رابطه با هریک از معیارهای مذکور می پردازیم (بارث و همکاران^۱، ۲۰۰۶):

۴-۲-۱- معیارهای ارزیابی حدود استاندارد نقدینگی در بانکها

در معیارهای حسابداری، عملکرد بانک با توجه به داده های حسابداری و تاریخی ارزیابی می شود. به عبارت دیگر، این دسته از معیارها، نسبتهای مالی را مبنای ارزیابی قرار می دهند. نسبتهای مالی، از متداولترین و رایج ترین روشهای تجزیه و تحلیل صورتهای مالی است. نسبتهای مالی در حقیقت ارتباط دو یا چند عنصر اصلی و یا فرعی مدل حسابداری را با یکدیگر می سنجد. به عبارت دیگر نسبت مالی عبارت است از کسری که در صورت آن دو یا چند متغیر مالی نظیر دارایی ها، بدهی ها، سرمایه، درآمد، هزینه ها، سود و همینطور در مخرج کسر عناصری نظیر دارایی ها، بدهی ها، ... ثبت می شود و ارتباط آن ها را به صورت وزن، رتبه، درصد و جز اینها مشخص می سازد. نسبتهای مالی مهم را معمولاً در چهار طبقه قرار می دهند و برای هر یک از جنبه های عملکرد بانک می توان از انواع نسبتهای مذکور استفاده کرد (عزیززاده، ۱۳۸۸):

- نسبتهای نقدینگی
- نسبتهای اهرمی
- نسبتهای فعالیت
- نسبتهای سودآوری

نسبت های نقدینگی: به نسبت هایی اطلاق می شوند که بر اساس آن می توان توانایی بانک را در پرداخت بدهی های جاری (آنگاه که تاریخ سر رسید آن ها برسد) تعیین کرد. اساس کاربرد نسبتهای نقدینگی بر این فرض است که دارائیهای جاری، منابع اصلی نقد بانک برای پرداخت بدهیهای جاری هستند (بک و همکاران، ۲۰۱۰). در این پژوهش نسبت جاری، نسبت آبی و نسبت وجوه از مهمترین نسبتهای نقدینگی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نسبت های فعالیت: با این نسبتها میزان فعالیتها و عملکرد مؤسسه سنجیده می شود. این نسبتها مورد توجه مدیریت و سهامداران است زیرا کارایی واحد انتفاعی در استفاده از منابع با این نسبتها مشخص می شود. این نسبتها در افزایش خود نشانگر مطلوبیت فعالیت و عملکرد هستند (ماه آور، ۱۳۸۶). به طور کلی، با استفاده از این نسبتها می توان درجه کارایی بانک را از نظر استفاده مؤثر از منابع تعیین کرد. در این پژوهش نسبت گردش دارائیهای ثابت، نسبت گردش مجموع داراییها، نسبت گردش موجودی کالا، نسبت کالا به سرمایه در گردش و گردش سرمایه جاری مورد توجه قرار دارد (بارث و همکاران، ۲۰۰۴).

نسبت های اهرمی (بدهی): میزان وجوهی را که بانک از راه گرفتن وام تامین کرده است بوسیله نسبتهای بدهی یا اهرمی نشان می دهند. این نسبتها دو دسته هستند. یک دسته به بخش بدهی ها و حقوق صاحبان سهام (مندرج در ترازنامه) مربوط است و میزان منابعی را که بانک از راه گرفتن وام تامین کرده است (و نه از محل منابعی که سهامداران بانک تامین می کنند) نشان می دهد از جمله نسبت بدهی. دسته دوم توان بانک در ایجاد سود کافی برای پرداخت بهره یا پوشش هزینه ها است (دمیرجوس-کانت و هوپزینگا، ۲۰۱۰). این نسبتها برای اعطاء کنندگان اعتبار بلند مدت، اهمیت دارند زیرا آن ها علاقه مند هستند که منابع مالی خود را در اختیار واحدی انتفاعی قرار دهند و در مقابل به طور مداوم، بهره دریافت کنند. این نسبتها مورد توجه سهامداران نیز می باشد، زیرا علاقه مندند که موجبات حفظ سرمایه آن ها فراهم شود. از دیدگاه آنان، قبول مخاطرات بلند مدت باید با بازده بالاتری توأم باشد (مهدوی و میدری، ۱۳۸۴). نسبتهای اهرمی مورد توجه در این پژوهش عبارتند از: نسبت بدهی، نسبت بدهیهای بلند مدت به حقوق صاحبان سهام، نسبت بدهیهای جاری به حقوق صاحبان سهام، نسبت بدهی های جاری به موجودی کالا، نسبت بدهی بلند مدت به سرمایه در گردش، نسبت پوشش (توانایی پرداخت) بهره، نسبت پوشش هزینه های ثابت و نسبت مالکانه.

1-Barth et al
1-Beck, T., Levine, R., Levkov, A., 2010b. Big
2-Barth et al
3-Demirguc-Kunt, A., Huizinga, H

نسبتهای سودآوری: برای سرمایه گذاری در یک بانک، سود دهی یکی از ویژگیهای مهمی است که باید مورد بررسی قرار گیرد. نسبتهای سودآوری برای ارزیابی احتمال سود دهی بانک و نیز درک ارتباط سود با دیگر اطلاعات مهم بانک مورد استفاده قرار می گیرد. بکارگیری نسبتهای مذکور، اثربخشی مدیریت را در فعالیتهای تجاری مشخص می سازد. این نسبتها شاخص مهمی از موفقیت یا شکست سیاستهای مدیریت به شمار می روند (جیمنز و همکاران، ۲۰۱۰). با استفاده از این نسبتها عملکرد کلی بانک و مدیریت آن ارزیابی می شود. با این نسبتها به بازده بانک از دیدگاههای متفاوتی از جمله: از نظر سود هر سهم، بر اساس هر ریال فروش، بر مبنای هر ریال از دارائیهها و بر اساس هر ریال از حقوق صاحبان سهام، توجه می کنند (هوستون و همکاران، ۲۰۱۰). در این پژوهش حاشیه سود خالص، حاشیه سود ناخالص، سود هر سهم، سود تقسیمی هر سهم، درصد سود تقسیمی، رشد سود هر سهم، شاخص P/E، بازده سهام، بازده فروش، نسبت کیوتوبین، بازده سرمایه در گردش، بازده سرمایه گذاری و بازده حقوق صاحبان سهام مورد استفاده قرار گرفته است.

۵- اهداف پژوهش

هدف این تحقیق تکمیل شکاف موجود در عرصه ادبیات موضوعی با بررسی پاسخ به این پرسش است که آیا نسبت نقدینگی بر ریسک بحران مالی صنعت بانکداری تأثیرگذار است؟ اهداف تحقیق در دو بخش شامل اهداف علمی و اهداف کاربردی به شرح زیر بیان می گردند.

هدف علمی این پژوهش با توجه به اینکه تحقیقات دانشگاهی زیادی چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور در ارتباط با نسبت نقدینگی و تاثیر عوامل مختلف بر آن صورت گرفته است، اما با این وجود بیشتر این تحقیقات معطوف به تاثیر عوامل و متغیرهای مختلف بر سیاستها و قوانین درون بانکی بوده است. در نهایت هدف کاربردی این پژوهش با شناخت و بررسی تأثیر نسبت نقدینگی بر ریسک بحران مالی صنعت بانکداری، فراهم کردن مبنای کاربردی برای بازیگران بازار سرمایه شامل سرمایه گذاران بالقوه و بالفعل و... است. نتایج این پژوهش حاضر می تواند برای گروههای زیر قابل استفاده باشد.

۱. سرمایه گذاران بخش خصوصی، مردم و دولت،
۲. سهام داران بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران،
۳. مدیران بانکها،
۴. مؤسسات مالی و اعتباری و سرمایه گذاری،
۵. متخصصین و تحلیل گران مالی و
۶. محققان و دانشجویان.

۶- فرضیه پژوهش

نسبت نقدینگی بر ریسک بحران مالی صنعت بانکداری تأثیرگذار است.

۷- متغیرهای پژوهش

۷-۱- تعریف عملیاتی متغیر وابسته

ریسک بحران مالی ($LogL_{i,t}$):

$$LogL_{i,t} = -4.34 - 0.08 * (WCAP / AT) + 0.04 * (RE / AT) - 0.10 * (PI + XINT - IDIT) / AT - 0.22 * (PRCCF * CSHO) / LT + 0.06 * (SALE / AT)$$

که در آن:

$LogL_{i,t}$ = برابر است با ریسک بحران مالی.

$WCAP / AT$ = برابر است با حاصل تقسیم مخارج سرمایه ای بر روی ارزش دفتری کل داراییها.

RE / AT = برابر است با حاصل تقسیم درآمد ناخالص بر روی ارزش دفتری کل داراییها.

PI = برابر است با ارزش بازار سهام.

1. Jimens et al
2. Houston et al
3. DeYoung & Torna.

$XINT$ = برابر است با ارزش دفتری کل موجودی ها.

$IDIT$ = برابر است با ارزش دفتری کل بدهی ها.

AT = برابر است با ارزش دفتری کل دارایی ها.

$PRCCF$ = برابر است با جریان های نقدی عملیاتی.

$CSHO$ = برابر است با وجوه نقد.

LT = برابر است با نسبت جاری.

$SALE/AT$ = برابر است با نسبت فروش به ارزش دفتری کل دارایی ها.

۲-۷- تعاریف عملیاتی متغیرهای مستقل

نسبت نقدینگی مورد نیاز ($NSFR_{i,t}$): نسبت نقدینگی مورد نیاز به صورت زیر محاسبه می شود (آلتونباس و همکاران^۱، ۲۰۱۵):

$$5\% * (\text{سایر وام ها بدهی های دریافتی}) + 90\% * (\text{میزان دارایی های جاری}) + 95\% * (\text{میزان وام های پرداختی}) + \text{کل ها بدهی} + \text{سرمایه تقسیم بر}$$

$5\% * (\text{سود خالص} + \text{میزان سرمایه گذاری انجام شده}) + \text{ارزش دفتری دارایی ها}$

$+ (\text{میزان وام های پرداختی بلند مدت}) + 5\% * (\text{وام های پرداختی بانک ها} + \text{سایر سرمایه گذاری های کوتاه غیر جاری})$

$85\% * (\text{میزان وام های پرداختی شرکت ها}) + 65\% *$

نسبت بودجه مالی ($TRCR_{i,t}$): نسبت بودجه مالی بانک به صورت زیر محاسبه می شود (کولی و واتی^۲، ۲۰۱۲):

۳-۷- تعاریف عملیاتی متغیرهای کنترلی

اندازه بانک ($SIZE_{i,t}$): برابر است با لگاریتم ارزش دفتری کل دارایی های بانک (آکریا و مورا^۳، ۲۰۱۵).

نرخ رشد تولید ناخالص ملی داخلی ($GDPC_{i,t}$): نرخ رشد تولید ناخالص ملی داخلی به صورت زیر محاسبه می شود

(گوبات و همکاران^۴، ۲۰۱۴):

نرخ رشد تولید ناخالص ملی داخلی در پایان سال جاری منهای نرخ رشد تولید ناخالص ملی داخلی در پایان سال ماقبل سال

جاری تقسیم بر رشد تولید ناخالص ملی داخلی در سال ماقبل پایان سال جاری.

نرخ تورم ($INFC_{i,t}$): برابر است با نرخ تورم در پایان سال مورد بررسی (بیک و همکاران^۵، ۲۰۱۳).

ارزش بازار سهام ($HHI_{i,t}$): برابر است با لگاریتم ارزش بازار سهام بانک در پایان سال مورد بررسی (چپارمونت و کاسو

۲۰۱۷).

۳-۷- تعاریف مفاهیم و اصطلاحات پژوهش

نسبت های نقدینگی^۶: نسبت های نقدینگی عبارتند از نسبت هایی که در ارتباط با نقدینگی مورد نیاز صنعت بانکداری می باشد.

نسبت های نقدینگی مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از: نسبت نقدینگی مورد نیاز، نسبت بودجه مالی، نسبت بازده دارایی ها،

نسبت سربار بر مرود درآمد، نسبت وام های پرداختی و نسبت سود تقسیمی. نسبت های نقدینگی نشان دهنده میزان نقدینگی موجود در

بانک بوده و افزایش یا کاهش این نسبت ها به نوعی بر افزایش یا کاهش ریسک بحران مالی امکان دارد تأثیرگذار باشد (چپارمونت

و کاسو^۷، ۲۰۱۷).

ریسک بحران مالی^۸: ریسک بحران مالی زمانی اتفاق می افتد که نقدینگی بیش از حد به جامعه تجویز شود. ریسک بحران

مالی معمولاً^۹ از نسبت های نقدینگی تأثیر پذیرفته و در بلندمدت کاهش یا افزایش ریسک بحران مالی در صنعت بانکداری تحت

1- Altunbas et al.

2- Cole & White.

3- Acharya & Mora.

4- Gobat et al.

5- Beck et al.

6- liquidity ratios.

7- Chiaramonte & Casu.

8- financial distress risk.

تأثیر عوامل تأثیرگذار دیگر نیز می‌باشد. ریسک بحران مالی باعث افزایش نرخ تورم شده و در بلندمدت ارزش بازار سهام را نیز امکان دارد تحت تأثیر قرار دهد (دموکراک و همکاران^۱، ۲۰۱۳).

۸- پیشینه پژوهش

کفایی وراهزانی (۱۳۹۶)، «تأثیرمتغیرهای کلان اقتصادی برریسک نقدینگی بانک‌های ایران» را بررسی کرد. براساس نتایج حاصل از برآورد الگو با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) نشان می‌دهد که عوامل کلان اقتصادی ویژگی‌های بانکی منتخب همگی بر ریسک نقدینگی بانک موثرند. جهانخانی (۱۳۸۹)، به بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر ساختار مالی پرداخته و تأثیر نوع صنعت و اندازه بانک و ریسک تجاری و درجه اهرم عملیاتی را بر میزان بکارگیری اهرم مالی بانک‌های بورس تهران مورد ارزیابی قرار داد. او نشان داد که نوع صنعت بر ساختار مالی تأثیر دارد، اما متغیرهای اندازه بانک و ریسک تجاری و اهرم عملیاتی تأثیری بر ساختار مالی ندارند. چپارمونت و کاسو^۲ (۲۰۱۷)، در پژوهشی تحت عنوان "سرمایه و نسبت‌های نقدینگی و ریسک بحران مالی، شواهدی از روی صنعت بانکداری اروپا" به بررسی روابط بین متغیرهای فوق پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که با افزایش سرمایه و افزایش نسبت‌های نقدینگی ریسک بحران مالی کاهش پیدا خواهد کرد. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن بود که اگر ریسک بحران مالی در شرایط حد تحت کنترل قرار نگیرد، تجویز و افزایش نسبت‌های نقدینگی و همچنین افزایش سرمایه صنعت بانکداری باعث ایجاد یک نوع تورم حبابی در جامعه شده و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را بشدت تحت تأثیر منفی قرار خواهد داد. دیانگ و جونگ^۳ (۲۰۱۵)، در پژوهشی تحت عنوان "مدیریت فعالیت های بانکی و نقدینگی" به بررسی روابط بین متغیرهای فوق با استفاده از روش آماری رگرسیون چند متغیره پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان از آن داشت که با افزایش فعالیت های بانکداری نقدینگی مورد نیاز جامعه تامین شده و با تعیین نقدینگی مورد نیاز در حد کافی ریسک بحران مالی صنعت بانکداری کاهش پیدا کرده و در نهایت باعث افزایش نرخ رشد بازار سهام خواهند شد. باسل و همکاران^۴ (۲۰۱۴)، در پژوهشی تحت عنوان "نسبت‌های نقدینگی و بحران‌های مالی و الگوهای حاکمیت شرکتی" به بررسی روابط بین متغیرهای فوق با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان از آن داشت که هر چقدر نسبت‌های نقدینگی افزایش پیدا کند و الگوهای حاکمیت بانکی تحت نظر مدیران نباشد، ممکن است در بلندمدت، بحران مالی را به شدت افزایش داده و در نهایت باعث کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشورها بشود.

کوواس و دریسکول^۵ (۲۰۱۴)، در پژوهشی تحت عنوان "نقدینگی بانکی و قوانین و مقررات مرتبط با افزایش سرمایه" به بررسی روابط بین متغیرهای فوق با استفاده از روش آماری پانل دیتا پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که در صنعت بانکداری که با افزایش قوانین و مقررات مربوط به سرمایه، ریسک نقدینگی کاهش پیدا خواهد کرد. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که در بلندمدت با کاهش ریسک نقدینگی، ریسک بحران مالی صنعت بانکداری نیز کاهش پیدا خواهد کرد. آکریا و مورا^۶ (۲۰۱۵)، در پژوهشی تحت عنوان "بحران صنعت بانکداری و نقدینگی های از قبل تعیین شده" به بررسی روابط بین متغیرهای فوق با استفاده از روش آماری پانل دیتا بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که هر چقدر نسبت‌های نقدینگی در جامعه افزایش پیدا کند، به همان نسبت نیز نرخ تورم افزایش پیدا کرده و در نهایت باعث ایجاد یک نوع بحران مالی خواهد شد و ریسک جامعه و ریسک نقدینگی به شدت افزایش پیدا خواهد کرد.

۹- روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ تجربی در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی در صورتهای مالی شرکتها می‌باشد و بر اساس هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی می‌باشد. هم چنین این پژوهش از نوع پژوهش توصیفی پس رویدادی و پژوهش همبستگی است. هدف محقق از انجام پژوهش توصیفی، توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موقعیت یا یک موضوع است؛ به عبارت دیگر، پژوهشگر در این گونه پژوهش‌ها سعی می‌کند تا آنچه هست را بدون هیچگونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش دهد و نتایجی عینی از موقعیت بگیرد. پژوهش همبستگی نیز سنجش و ارزیابی چند متغیر و روابط فیما بین آن‌ها را در لحظه‌ای ویژه و در شرایط واقعی مقدور می‌سازد. در این روش الزاما روابط علی و معلولی شناسایی نمی‌شود، بلکه فقط هدف آن است که مشخص شود کدام متغیر با کدام متغیر دیگر به طور نسبی در جهت مثبت یا منفی همگام است. در تحلیل داده‌ها از روشهای همبستگی و رگرسیون داده‌های تابلویی با اثرات ثابت بوسیله نرم افزار Eviews استفاده شده است.

1- Demirgüç-Kunt et al.

2- Chiaramonte & Casu.

3- DeYoung & Jang.

4- Basel.

3- Covas & Driscoll

6- Acharya & Mora.

علت استفاده از ترکیب داده‌های سری و مقطعی این است که آن منبع غنی تری از تغییرات را ارائه می‌دهد و در نتیجه تخمین کاراتری از پارامترها خواهیم داشت. علاوه، داده‌های با اطلاعات مفیدتر، تخمینی با قابلیت اطمینان بیشتر فراهم می‌کند و تست مدل‌های پیچیده تر و با مفروضات محدودتر را امکان پذیر می‌سازد. مزیت دیگر داده‌های ترکیبی توانایی آن‌ها در کنترل عدم تجانس انفرادی است. عدم کنترل این اثرات خاص غیرقابل مشاهده منجر به ایجاد تورش در نتایج تخمین می‌شود. داده‌های ترکیبی قادر به همسان کردن بهتر و اثرات تخمینی هستند که در داده‌های سری زمانی یا مقطعی به سادگی قابل کشف نیست. (بالتاگی، ۲۰۰۸)

۱۰- جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش متشکل از کلیه بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ می‌باشد که تعداد آن‌ها ۱۰ بانک بوده است.

۱۰-۱- نمونه آماری

در این تحقیق با توجه به محدود بودن جامعه آماری، کلیه بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که تعداد ۱۰ بانک دولتی و خصوصی است به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. در نگاره شماره ۲-۱، اسامی بانک‌های موجود در نمونه آماری نشان داده شده است.

جدول ۲- اسامی بانک‌های موجود در نمونه آماری

۱	بانک اقتصاد نوین	۶	بانک کار آفرین
۲	بانک صادرات ایران	۷	بانک پاسارگاد
۳	بانک تجارت	۸	پست بانک ایران
۴	بانک ملت	۹	بانک انصار
۵	بانک پارسیان	۱۰	بانک سینا

۱۱- قلمرو پژوهش

الف) قلمرو موضوعی: بررسی تأثیر نسبت سرمایه بر ریسک بحران مالی صنعت بانکداری که قابلیت بحث در حوزه بانکداری، حسابداری مدیریت و مدیریت مالی را دارد.

ب) قلمرو مکانی: بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

ج) قلمرو زمانی: قلمرو زمانی این پژوهش از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ می‌باشد.

۱۲- نحوه جمع آوری داده‌ها

برای انجام پژوهش و نتیجه‌گیری صحیح از پژوهش، اطلاعات نقش بسزایی را ایفا می‌کند. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز در این پژوهش با استفاده از دو شیوه جمع آوری شده است: اطلاعات مربوط به مباحث تئوریک و ادبیات پژوهش از کتب و نشریات داخلی و خارجی تخصصی گردآوری شده است، سپس اطلاعات و داده‌های مورد نیاز جهت تحلیل رابطه بین داده‌ها از طریق بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین و سایت رسمی سازمان بورس اوراق بهادار ایران گردآوری شده است.

۱۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱۳-۱- آمار توصیفی

با توجه به اینکه اطلاعات و داده‌های مورد نظر همگی کمی هستند برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در مراحل اولیه از آمار توصیفی استفاده شده است. هدف از ارائه این بخش ارائه داده‌های آماری اولیه معرف ویژگی‌های متغیرهای مورد مطالعه در میان شرکت‌های نمونه آماری می‌باشد. تا بدانیم با چه مبنایی سر و کار داریم و مبنایی برای تحلیل‌های خود در اختیار داشته باشیم زیرا شناخت ما در تعمیم نتایج و تحلیل ارتباطات بین متغیرهای اساسی تحقیق یاری خواهد نمود. در این راستا از شاخص‌های اندازه-گیری مرکزی مانند میانگین، میانه و نیز حداقل و حداکثر متغیرها و نهایتاً انحراف استاندارد استفاده شده است. در آمار استنباطی نیز

از تحلیل‌های رگرسیون و آماره‌های F و T استفاده شده است. از رگرسیون چند متغیره به منظور آزمون فرضیه پژوهش استفاده شده است. خلاصه ویژگی‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق در قالب آماره‌های توصیفی در جدول شماره ۲-۱، مربوط به داده‌های تحقیق برای ۱۰ بانک ارائه شده است. آماره‌های گزارش شده شامل میانگین، میانه، حداکثر، حداقل و انحراف معیار هر یک از متغیرهای استفاده شده در تحقیق می‌باشد.

جدول ۳- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	چولگی	کشی‌دگی
ریسک بحران مالی	۶۰	۰/۱۲۵۱	۰/۰۹۳۵	۰/۰۰۴۶	۰/۴۴۸۶	۱/۴۷۹	۲/۳۹۴
نسبت نقدینگی مورد نیاز	۶۰	۰/۱۶۱۶	۰/۱۷۳۱	۰/۰۰۱۲	۰/۶۵۰۹	۱/۶۶۲	۲/۱۱۸
اندازه بانک	۶۰	۵/۱۱۴۴	۰/۵۷۶۷	۴/۲۳۹۹	۶/۸۷۴۰	۰/۹۶۷	۰/۸۶۰
نرخ رشد تولید ناخالص ملی داخلی	۶۰	۰/۳۸۵۷	۰/۰۴۸۰	۰/۲۳۶۶	۰/۴۹۵۴	-۰/۲۱۳	۰/۵۵۰
نرخ تورم	۶۰	۰/۳۹۱۳	۰/۰۴۸۰	۰/۲۶۰۶	۰/۴۷۹۳	-۰/۰۸۹	-۰/۳۰۰
ارزش بازار سهام	۶۰	۰/۲۲۵۷	۰/۲۰۲۱	۰/۰۰۱۹	۰/۸۲۴۹	۱/۲۸۷	۰/۸۹۱

با توجه به نگاره ۲-۱، میانگین ریسک بحران مالی بانک‌های نمونه به ترتیب برابر با ۰/۱۲۵۱ بوده و کم‌ترین و بیشترین مقدار آن برابر با ۰/۰۰۴۶ و ۰/۴۴۸۶ می‌باشد. بررسی میزان چولگی و کشی‌دگی این متغیر که بایستی به ترتیب ۰ و ۳ باشد تا متغیر دارای توزیع نرمال باشد، نشان می‌دهد که این متغیر دارای توزیع نرمال نیست. بر اساس آمار توصیفی ارائه شده در نگاره ۲-۱، میانگین نسبت سرمایه، نسبت نقدینگی مورد نیاز، نسبت بودجه مالی، نسبت بازده دارایی‌های، نسبت سربار بر درآمد، نسبت وام‌های پرداختی و نسبت سود تقسیمی شرکت‌های نمونه طی بازه زمانی تحقیق مثبت و به ترتیب برابر با ۰/۰۲۰۴، ۰/۱۶۱۶، ۰/۵۶۱۱، ۰/۵۴۲۲، ۰/۲۴۲۷، ۰/۰۲۶۲ و ۰/۲۳۹۸ بوده است. همچنین میانگین مثبت اندازه بانک، نرخ رشد تولید ناخالص ملی داخلی، نرخ تورم و ارزش بازار سهام به ترتیب برابر با ۵/۱۱۴۴، ۰/۳۸۵۷، ۰/۳۹۱۳ و ۰/۲۲۵۷ ب هدف از آزمون فرضیه تحقیق بررسی این موضوع می‌باشد که آیا نسبت نقدینگی مورد نیاز بر ریسک بحران مالی صنعت بانکداری بانک‌ها تأثیر معناداری وجود دارد یا خیر؟ و فرضیه آماری آن به صورت زیر قابل بیان است:

H_0 : نسبت نقدینگی مورد نیاز بر ریسک بحران مالی صنعت بانکداری بانک‌ها تأثیر معناداری وجود ندارد.

H_1 : نسبت نقدینگی مورد نیاز بر ریسک بحران مالی صنعت بانکداری بانک‌ها تأثیر معناداری وجود دارد.

۱۳-۲- بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق

در این بخش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون به بررسی ارتباط متغیرهای تحقیق و همبستگی موجود بین آن‌ها پرداخته می‌شود و توسط نرم افزار Spss 22 مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است. ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای تحقیق در جدول زیر ارائه شده است. براساس نتایج حاصل از آماره پیرسون، ریسک بحران مالی بانک‌ها همبستگی مثبت و معنی‌داری با نسبت بازده دارایی‌ها و نرخ رشد تولید ناخالص ملی داخلی و همبستگی منفی و معنی‌داری با نسبت نقدینگی مورد نیاز از خود نشان می‌دهد. نسبت سرمایه نیز همبستگی مثبت و معنی‌داری با نسبت سربار بر درآمد دارد. نسبت نقدینگی مورد نیاز نیز همبستگی مثبت و معنی‌داری با نسبت وام‌های پرداختی و اندازه بانک و همبستگی منفی و معنی‌داری با نسبت سود تقسیمی از خود نشان می‌دهد. نسبت وام‌های پرداختی نیز دارای همبستگی منفی و معنی‌داری با نسبت سود تقسیمی می‌باشد.

جدول ۴- ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق

ارزش بازار سهام	نرخ تورم	نرخ رشد تولید ناخالص ملی داخلی	اندازه بانک	نسبت سود تقسیمی	نسبت نقدینگی مورد نیاز	ریسک بحران مالی
ریسک بحران مالی (P-Value)						۱
نسبت نقدینگی مورد نیاز (P-Value)	-۰/۳۵۷ (۰/۰۰۵)				۱	
اندازه بانک	-۰/۲۲۹	۰/۲۷۳	۰/۱۱۵	۱		

(P-Value)	(۰/۰۷۹)	(۰/۰۳۵)	(۰/۰۳۸۰)				
نرخ رشد تولید ناخالص ملی داخلی (P-Value)	۰/۲۶۲ (۰/۰۴۳)	-۰/۰۵۲ (۰/۰۶۹۵)	-۰/۰۱۶ (۰/۰۹۰۵)	۰/۰۶۹ (۰/۰۵۹۹)	۱		
نرخ تورم (P-Value)	۰/۲۰۸ (۰/۰۱۱۱)	-۰/۰۴۶ (۰/۰۷۲۴)	-۰/۰۰۴ (۰/۰۹۷۳)	۰/۰۶۱ (۰/۰۶۴۴)	۰/۸۹۴ (۰/۰۰۰)	۱	
ارزش بازار سهام (P-Value)	۰/۱۴۸ (۰/۰۲۶۰)	-۰/۱۵۳ (۰/۰۲۴۳)	-۰/۰۴۹ (۰/۰۷۱۲)	۰/۱۰۷ (۰/۰۴۱۸)	۰/۰۳۷ (۰/۰۷۷۷)	-۰/۰۶۴ (۰/۰۶۲۸)	۱

در ارتباط با نرخ رشد تولید ناخالص ملی داخلی نیز، این متغیر همبستگی مثبت و معنی داری با نرخ تورم از خود نشان می دهد

جدول ۵- نتایج آزمون فرضیه تحقیق با استفاده از روش اثرات ثابت

متغیر وابسته: ریسک بحران مالی تعداد مشاهدات: ۶۰ سال - بانک				
$LogL_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 NSFR_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 GDPC_{i,t} + \beta_4 INFC_{i,t} + \beta_5 HHI_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
رابطه	P-Value	آماره t	ضریب	متغیر
نامعدادار	۰/۱۷۹۷	۱/۳۶۶۲	۰/۱۴۸۵	جزء ثابت
مستقیم	۰/۰۴۳۴	-۲/۱۸۴۳	۰/۱۱۹۴	نسبت نقدینگی مورد نیاز
نامعدادار	۰/۰۸۷۰	-۱/۷۵۵۸	-۰/۰۳۱۹	اندازه بانک
مستقیم	۰/۰۰۲۵	۳/۲۳۹۳	۱/۳۶۲۵	نرخ رشد تولید ناخالص ملی داخلی
معکوس	۰/۰۲۶۳	-۲/۳۰۹۵	-۰/۹۶۶۰	نرخ تورم
مستقیم	۰/۰۳۷۷	۲/۱۵۱۲	۰/۱۲۲۳	ارزش بازار سهام
۰/۶۳۹۱	ضریب تعیین مدل			
۲/۴۲۱	آماره دوربین واتسون			
۳/۳۰۸۳ (۰/۰۰۰۰)	آماره F (P-Value)			
$LogL_{i,t} = 0.1485 + 0.1194NSFR_{i,t} + 1.3625GDPC_{i,t} - 0.9660INFC_{i,t} + 0.1223HHI_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				

در بررسی معنی داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده در نگاره ۵-۱، از آن جایی احتمال آماره t برای ضریب متغیر نسبت نقدینگی مورد نیاز کوچک تر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۰۴۳۴)، در نتیجه وجود تأثیر معنی داری نسبت نقدینگی مورد نیاز بر افزایش ریسک بحران مالی صنعت بانکداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می گیرد؛ بنابراین فرضیه دوم تحقیق پذیرفته شده و با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت نسبت نقدینگی مورد نیاز بر افزایش ریسک بحران مالی صنعت بانکداری تأثیر معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری

با توجه به نتایج ارائه شده با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت نسبت نقدینگی مورد نیاز بر ریسک بحران مالی صنعت بانکداری تأثیر معناداری وجود دارد. مثبت بودن ضریب این متغیر (۰/۱۱۹۴) حاکی از وجود تأثیر مستقیم نسبت نقدینگی مورد نیاز بر ریسک بحران مالی صنعت بانکداری می باشد به طوری که با افزایش ۱ واحدی نسبت نقدینگی مورد نیاز، ریسک بحران مالی صنعت بانکداری نیز به میزان ۰/۱۱۹۴ واحد افزایش می یابد؛ بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل های صورت گرفته در ارتباط با تأیید فرضیه پژوهش می توان نتیجه گرفت که نسبت نقدینگی مورد نیاز بر ریسک بحران مالی صنعت بانکداری تأثیر گذار است. نتایج فرضیه دوم پژوهش ما با یافته های پژوهش های چیرامونت و کاسو (۲۰۱۷)، باسل و همکاران (۲۰۱۴) و بیک و همکاران (۲۰۱۳) مطابقت داشته و با یافته پژوهش های کولی و واتنی (۲۰۱۲) و دیلاس و استاکوراس (۲۰۱۱) در تضاد است.

۱. بابایی، محمد، احمدوند، ارژنگ (۱۳۸۷). "بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله تحقیقات مالی، شماره ۲۶، ۴۵-۴۷.
۲. جهانخانی، علی، یزدانی، ناصر. (۱۳۸۹). "بررسی تأثیر نوع صنعت، اندازه، ریسک تجاری و درجه اهرم عملیاتی بانک‌ها بر میزان بکارگیری اهرم مالی در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۱۸ و ۱۷. ۱۸۶-۱۶۹
۳. عزیززاده، طاهره (۱۳۸۸)، "بررسی نقش معیارهای سنجش عملکرد در ایجاد ارزش برای بانک"، مجله حسابدار، شماره ۲۰۸، صفحه ۴۴، ۴۵.
۴. سید نورانی، سید محمدرضا؛ امیری، حسین و محمدیان، عادل (۱۳۹۱). "بررسی رابطه علیت بین سرمایه بانک و سودآوری؛ با تاکید بر جنبه نظارتی ساختار سرمایه"، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی. ۲(۶)، ۱-۱۵.
۵. وکیلی، داریوش (۱۳۸۵)، "ارزیابی عملکرد بانک‌های تجاری"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اموربانکی، تهران
6. Abor, J. (2015), "The Effect of Capital Structure on Profitability: An Empirical Analysis of Listed Firms in Ghana", *The Journal of Risk Finance*, Vol. 6 No.5.
7. 7- Acharya, V. V., & Mora, N. (2015). A crisis of banks as liquidity providers. *The Journal of Finance*, 70, 1e43.
8. 453-480.
9. 8- Basel Committee on Banking Supervision (BCBS). (2014). Basel III: The net stable funding ratio (October).
10. 9- Barth, J., Caprio, G., Levine, R., (2006). *Rethinking Bank Regulation: Till Angels Govern*. Cambridge University Press.
11. 10- Barth, J., Caprio, G., Levine, R., (2008). *Bank Regulation and Supervision Database (Updated June 2008)*. World Bank.
12. 11- Basel Committee on Banking Supervision (BCBS). (2013). Basel III: The liquidity coverage ratio and liquidity risk monitoring tools (January).
13. 12- Basel Committee on Banking Supervision (BCBS). (2014). Basel III: The net stable funding ratio (October).
14. 13- Beck, T., (2008). Bank competition and financial stability: friends or foes? In: *Bank Indonesia and Banco de Mexico (Eds.), Competition in the Financial Sector*.
15. 14- Beck, T., Demirguc-Kunt, A., Levine, R., (2006). Bank concentration, competition, and crises: first results. *J. Banking Finance* 30 (5), 1581-1603.
16. 15- Beck, T., Demirguc-Kunt, A., Levine, R., (2010a). Financial institutions and markets across countries and over time: the updated financial development and structure database. *World Bank Econ. Rev.* 24, 77-92.
17. 16- Beck, T., Levine, R., Levkov, A., (2010b). Big bad banks? The winners and losers from bank deregulation in the united states. *J. Finance* 65 (5), 1637-1667.
18. 17 Chiaramonte L, Casu B, (2017), Capital and liquidity ratios and financial distress. Evidence from the European banking industry, *The British Accounting Review*
19. 18- Cole, R. A., & White, L. J. (2012). D_ej_a Vu all over again: the causes of U.S. commercial bank failures this time around. *Journal of Financial Services Research*, 42, 5e29.
20. 19- Covas, F., & Driscoll, J. C. (2014). Bank liquidity and capital regulation in general equilibrium. In *Finance and economics discussion series*, 2014e85 Washington, D.C: Divisions of Research & Statistics and Monetary Affairs Federal Reserve Board.
21. 20-Demirgüç-Kunt, A., Detragiache, E., & Merrouche, O. (2013). Bank capital: lessons from the financial crisis. *Journal of Money Credit and Banking*, 45, 1147e1164
22. 21- DeYoung, R., & Torna, G. (2013). Nontraditional banking activities and bank failures during the financial crisis. *Journal of Financial Intermediation*, 22,397e421.
23. 22- Gobat, J., Yanase, M., & Maloney, J. (2014). The net stable funding ratio: Impact and issues for consideration. *International Monetary Fund (IMF) working paper*, 106